

علم أصول الفقه

۷۳

۹۱-۲-۱۰ مبادئ مختص تصديقي

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

شؤون دينية

شأن دنيائية

معصومان

شؤون معصومان عليهم السلام

- ج. هر چند بعضی گفتارها و رفتارهای جزئی آنان دینی نبوده است، اما در وراء آن یک نکته دینی وجود داشته است .
- به عبارت دیگر برخی از رفتارها و گفتارهای آنان **عنصر موقعیتی دینی** بوده که در وراء آن عناصر جهان شمولی وجود داشته است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در مقابل دو دیدگاه قبل (دیدگاهی که همه‌ی رفتارها حتی رفتارهای عادی و جزئی معصوم را مرتبط با دین می‌داند و دیدگاهی که معتقد است برخی رفتارها نتیجه‌ی طبیعت و عادت است و اصلاً ربطی به دین ندارد)، نظر میانه‌ای قابل طرح است.
- بر اساس این نظر ممکن است بعضی رفتارهای جزئی انسان یا بخشی از معتقدات، مستقیماً در سعادت و شقاوت نقشی نداشته باشند، اما با عنوان دیگری چنین نقشی را ایفا نمایند و البته این مطلب در تمام رفتارها و گفتارها و اعتقادات کلیت پیدا نمی‌کند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- به طور مثال اصل خوردن امری طبیعی است. به هر حال موجود زنده به خوردن نیاز دارد. کمیت خوراک نیز یک مقتضای طبیعی دارد. شخصی باید زیاد بخورد و دیگری کم، یکی چاق است و دیگری لاغر، یکی فعالیت بدنی زیادی دارد و دیگری اندک.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اما مذموم بودن پرخوری (که هر کس به اندازه‌ی نیاز خویش از غذا استفاده کند و از بیش از آن مقدار صرف نظر نماید)، یک جهت ثانوی است که تأثیراتی بر جسم و روان انسان دارد.
- پرخوری منشأ بیماری می‌گردد و اگرچه ممکن است آن بیماری در سعادت و شقاوت فرد از آن حیث که یک فرد است، تأثیر چندانی نداشته باشد، اما در مجموع جامعه که اکثریت آنها این عادت مذموم را دارند و مبتلا به این بیماری هستند، نقش به‌سزایی خواهد داشت.

شؤون معصومان علیهم السلام

- مجموعه‌ی یک جامعه با افرادی مریض، در سعادت و شقاوت تک تک افراد آن جامعه تأثیر می‌گذارد. افراد چنین جامعه‌ای گرفتار خمودی و کسالت هستند و این مانع فعالیت‌های مفید و سودمند آنان می‌گردد و ضرر آن حتی افراد سالم را نیز دامن گیر می‌شود. جامعه‌ای با افراد سالم و با نشاط، تأثیر مثبتی بر سعادت افراد جامعه دارد و مسیر کمال را برای آنها هموارتر می‌سازد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در واقع دین که دنیا را مزرعه‌ی آخرت می‌داند به ابعاد مختلف یک مسأله نگاه عمیق و گسترده‌ای دارد. و با یک دید محدود و جزئی نمی‌نگرد لازم نیست هر چیزی همانجا مستقیماً اثری داشته باشد. چه بسا یک امری به لحاظ فردی بی اثر باشد یا اثر چندان مهمی نداشته باشد اما وقتی بعد اجتماعی پیدا کند و عمومیت یابد، آثارش هویدا گردد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- بحث‌هایی که امروزه در توسعه‌ی انسانی مطرح است، مفاهیمی است که در اسلام به آنها اشاره شده و مورد توجه بوده است. از نظر اسلام وجود برخی ویژگی‌ها برای مجموعه‌ی جامعه، موجب سعادت آحاد جامعه می‌شود، اگرچه به لحاظ فردی ممکن است بودن یا نبودن آن ویژگی نقش چندان مهمی نداشته باشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- فرضاً بیماری یک بیمار ممکن است منشأ کمال او شود. چه بسا وی به علت این عارضه توجه بیشتری به خدا پیدا کند و از خلق خدا منقطع شود و به کمال معنوی-ای دست یابد که بدون این عامل، نمی توانست کسب کند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اما در كل جامعه اين مسأله كه اكثريت جامعه بيمار باشند، عیناً همان اثر را ندارد و حتى به عكس ممكن است يك بيماری عمومی، موانعی را برای سعادت افراد جامعه ایجاد نماید.

شؤون معصومان عليهم السلام

- همین طور ممکن است به لحاظ فردی سالم بودن یا بیمار بودن، نقش ضروری در سعادت انسان نداشته باشد یا ممکن است سلامت یک فرد، شقاوت وی را در پی داشته باشد، اما مجموعه‌ی جامعه با افرادی سالم، موجب سعادت آحاد جامعه گردد.
- یک برنامه‌ی جامع و همه جانبه که مصلحت فردی و جمعی را در نظر می‌گیرد، نه تنها در سعادت اخروی افراد جامعه مؤثر است، بلکه نقش مهمی در امور دنیایی آنان ایفا می‌نماید. و این نقشی است که دین دارد.

شؤون معصومان علیهم السلام

- بنابراین حرمت غذا خوردن در ظروف طلا و نقره ممکن است به لحاظ فردی نقشی در خوردن نداشته باشد و فرقی بین آنها و ظروف آهنی، سفالی و... نباشد؛ ولی بعد اجتماعی مسأله که در روحیهی برخی افراد جامعه تأثیر می‌گذارد، جنبه‌ی دیگر این قضیه است. خوردن در این ظروف، روحیه‌ی اشرافی-گری را ترویج می‌دهد و این روحیه موجب بروز برخی خلیقات است که مورد پسند اسلام نیست.

شؤون معصومان عليهم السلام

- همین طور نحوه‌ی خوردن به لحاظ فردی اثری در فرد ندارد. با دست غذا خوردن یا با قاشق غذا خوردن در خوردن فرقی نمی‌کند. از این جهت، هدف سیر شدن است و به هر صورتی حاصل می‌شود، اما از نظر اجتماعی مسأله به شکل دیگری است.

شؤون معصومان علیهم السلام

- این که گفته شده حضرت رسول صلی الله علیه و آله همچون عبید غذا می خوردند، تبعات مثبت اجتماعی وسیعی دارد که در روحیه‌ی تک تک آحاد جامعه اثر می‌گذارد و اتحاد و برادری را در آنها تشدید می‌نماید. حضرت صلی الله علیه و آله می‌خواستند به شکلی که مردم عادی و به خصوص اقشار پایین جامعه غذا می‌خورند، غذا بخورند و این همراهی با اقشار پایین جامعه و همنشینی با آنها، خود یک امر دینی و مؤثر در کمال ما است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- البته ممکن است این امر دینی یک امر کلی باشد، یعنی برای هر آدمی چنین سلوکی به عنوان یک سلوک مطلوب تلقی شود و ممکن است یک امر حکومتی باشد و الگوی رفتاری را برای کارگزاران حکومت تعیین نماید.

شؤون معصومان عليهم السلام

- با این وصف می‌پذیریم که بخشی از رفتارهای معصوم علیه السلام از نوعی امر طبیعی و عادی نشأت گرفته، اما امکان دارد در ورای آن، جهاتی وجود داشته باشد که معصوم علیه السلام با ملاحظه‌ی آنها اقدام به چنین عملی کرده و آن جهات در سعادت افراد جامعه مؤثر بوده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در نتیجه‌ی این دیدگاه ممکن است خود آن رفتار جزئی لازم الاتباع نباشد؛ اما آن کلی که معصوم بر اساس آن، در شرایط موجود، چنین رفتاری را نشان دادند، ضرورت تبعیت داشته باشد.

شؤون معصومان علیهم السلام

- پس فرضاً ضرورت ندارد ما به پیروی از حضرت صلی الله علیه و آله با دست غذا بخوریم و غذا خوردن با قاشق را حرام و بدعت بشماریم - کما این که وهابی‌ها هر چیز تازه و نو را که از جمله رفتارهای خاص حضرت صلی الله علیه و آله نیست، بدعت می‌شمارند و آنها را حرام می‌دادند - اما باید تابع آن جنبه‌ای باشیم که حضرت صلی الله علیه و آله به خاطر آن، این گونه خوردن را انتخاب کرده‌اند. این تبعیت - که حال در مثال ما رجحان دارد - تأثیر مثبتی در مجموعه‌ی زندگی می‌گذارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- واضح است این دیدگاه مفهوم «ما ينطق عن الهوى ان هو الا وحى يوحى» را آشکارتر می‌سازد و هیچ منافاتی با آن ندارد. رفتار و گفتار پیامبر همه بر اساس وحی بوده؛ اما نه این که تک تک کلمات و جزئی‌ترین رفتار به کمک مستقیم وحی سامان می‌گرفته است.
- آن جنبه‌ی کلی که ورای این رفتارهای جزئی وجود دارد، جزو آموزه‌های دین و از طریق وحی بوده و منشأ بروز چنین رفتارهایی می‌شده است.

شؤون معصومان عليهم السلام

- همان طور که بارها و بارها در طی بحث‌های خود گفته‌ایم، به شهادت قرآن - «قل انما انا بشر مثلکم یوحی الی» - پیامبر بشری است که همچون دیگر مردم، زندگی عادی دارد، مثل آنان می‌خورد، می‌پوشد و... . نحوه‌ی خاص غذا خوردن پیامبر و نحوه‌ی لباس پوشیدن او به عادات آن زمان مردم مربوط است نه به دین.

شؤون معصومان عليهم السلام

- اگر پیامبر در سرزمین قطب یا سرزمین‌هایی سردسیر به پیامبری مبعوث می‌شد، دیگر لباس بلند عربی بر تن نمی‌کرد. پس پوشیدن لباس بلند عربی به عادت مردم و شرایط آب و هوایی و اقلیمی یک قوم مربوط است نه به دین.
- دیگر معصومان عليهم السلام نیز همین گونه رفتار کرده و می‌کنند. امام زمان علیه السلام در کره‌ی دیگری زیست نمی‌کند، در جای خاصی مثل مثلث برمودا - آن گونه که برخی گمان می‌کنند - نیست.

شؤون معصومان علیهم السلام

- با این حال از آنجا که معصومان علیهم السلام رهبران دینی‌اند، رفتارهای جزئی و عادی آنان نیز با حکمتی همراه است و این حکمت همان جنبه‌ی کلی است که ورای این رفتارها و گفتارهای جزئی و طبیعی وجود دارد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- طیب غیر مسلمانی خدمت یکی از امامان عليهم السلام (ظاهراً خدمت امام صادق عليه السلام) می‌رسد و این مطلب را که افراد کمی برای طبابت به او مراجعه می‌کنند، مطرح می‌نماید. حضرت عليه السلام می‌فرماید: مسلمانان یک سری اموری را که از دستورات و توصیه‌های دین است مراعات می‌کنند، از این رو، کمتر مریض می‌شوند. این سخن نشانگر آن است که اسلام در صدد رسیدن به جامعه‌ای است که بهداشت عمومی در آن رعایت می‌گردد. و این همان چیزی است که تازه بشر به بعضی ابعادش پی می‌برد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- سلفی‌ها اصرار دارند که با دست غذا خوردن موضوعیت دارد و از آنجا که احکام آنها در حرمت و وجوب خلاصه می‌شود و مستحب و مکروه ندارند، حتی این گونه خوردن را مستحب نیز نمی‌دانند و آن را واجب می‌شمارند.

- . نجم، ۳ - ۴.

- . کشف، ۱۱۰.

شؤون معصومان عليهم السلام

- گفته شده است رکعت سوم و چهارم در نماز ظهر و عصر از تشریحات پیامبر است که به اذن خداوند صورت گرفت.

شؤون معصومان عليهم السلام

- شاید اولین کسی که در بین مسلمانان به صورت علنی و آشکار این مطلب را به عنوان یک نظریه مطرح کرد، شخصی مصری به نام علی عبد الرزاق (الرازق) بود. وی در کتاب اسلام و اصول حکومت بر این عقیده است که حضرت صلی الله علیه و آله یا اصلاً تشکیل حکومت نداد و یا آنچه انجام داد، مستند به دین نبود. این نظر در همان ابتدای طرح به شدت مورد انکار جهان اسلام واقع شد و علمای دانشگاه الازهر (که خود عبدالرزاق یکی از تحصیل کرده‌های آنجا بود) جزو اولین کسانی بودند که در مقابل این کتاب موضع‌گیری کردند و نویسندگی آن را تکفیر نمودند.

شؤون معصومان عليهم السلام

- در کلام شیعه، زعامت و رهبری اولاً شایسته کسی است که از نبوت یا امامت به معنای علم الهی برخوردار است و با وجود چنین کسی نوبت به زعامت کس دیگری نمی‌رسد. بنابراین زعامت فقیه فقط در صورتی است که معصوم علیه السلام در جامعه حاضر نباشد.

شؤون معصومان عليهم السلام

- فرض این است که ادعایی را در دادگاه مطرح کرده و توانسته از نظر قضایی آن را ثابت نماید، از این رو قاضی به نفع او حکم کرده است.